



دانشگاه مازندران  
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

## پایان نامه برای دریافت درجهی کارشناسی ارشد

رشتهی تحصیلی:  
زبان و ادبیات فارسی

عنوان:  
حافظ شیرازی به روایت حافظ شیرازی

استاد راهنما:  
دکتر علی اکبر باقری خلیلی

استاد مشاور:  
دکتر قدسیه رضوانیان

نگارنده:  
منیره محرابی کالی

سال تحصیلی: شهریور ۱۳۸۹



دانشگاه مازندران  
دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

## پایان نامه برای دریافت درجهی کارشناسی ارشد

رشتهی تحصیلی:  
زبان و ادبیات فارسی

عنوان:  
حافظ شیرازی به روایت حافظ شیرازی

استاد راهنما:  
دکتر علی اکبر باقری خلیلی

استاد مشاور:  
دکتر قدسیه رضوانیان

اساتید داور:  
دکتر غلامرضا پیروز - دکتر مسعود روحانی

نگارنده:  
منیره محرابی کالی

سال تحصیلی: شهریور ۱۳۸۹



به پدر و مادرم

و

همسرم و پدر و مادر بزرگوارش

که در این راه تنه‌ایم گذاشته‌اند

## تقدیر:

از دست و زبان که برآید کز عهده‌ی شکرش به‌درآید

به‌مصدق آیه‌ی «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق» شایسته می‌دانم در امر نگارش و تدوین این پایان‌نامه از:

- دکتر «علی اکبر باقری خلیلی» که با نکته‌سنجی‌ها و بینش دقیق علمی خود راهنمایی رساله را برعهده داشتند،
- دکتر «قدسیه رضوانیان» که با رهنمودهای به‌جا و ارزشمند، امر مشاوره‌ی رساله را پذیرا شدند،
- جناب آقای «حمید اکبری» که در حروفچینی و صفحه‌آرایی و اصلاحات رساله کمال همکاری را داشتند،
- و بخش تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، به‌ویژه آقای «رضا داداشی» صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم.

منیره محرابی کالی

شهریور ۱۳۸۹

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان	چکیده
------	-------	-------

### فصل اول: مقدمه

۲-۱-۱	تعریف مسأله	۲
۲-۱-۲	پیشینه‌ی پژوهش	۵
۳-۱-۳	حدود پژوهش	۶
۴-۱-۴	سؤالات پژوهش	۷
۵-۱-۵	اهداف پژوهش	۷
۶-۱-۶	روش پژوهش	۷
۷-۱-۷	معرفی فصول پژوهش	۷

### فصل دوم: نظریه‌ها

۱-۲-۱	مقدمه	۱۱
۲-۲-۲	نقد جامعه‌شناختی ادبیات و دیدگاه ایپولیت‌تن	۱۳
۳-۲-۳	فرضیه‌های نقد روان‌شناسانه	۱۶
۱-۳-۲-۱	نظریه‌ی فروید	۱۶
۱-۳-۲-۱-۱	نهاد، من، فرامن	۱۷
۲-۳-۲-۱-۲	غریزه‌ی مرگ (تاناتوس) و غریزه‌ی زندگی (اروس)	۱۹
۲-۳-۲-۲	نظریه‌ی یونگ	۲۱
۱-۲-۳-۲-۱	نقاب (پرسونا)	۲۲

- ۲۳..... سایه. ۲-۲-۳-۲
- ۲۳..... آنیما/ آنیموس. ۳-۲-۳-۲
- ۲۳..... پیرمثالی. ۴-۲-۳-۲
- ۲۴..... خود و ماندالا. ۵-۲-۳-۲
- ۲۵..... الگوی خودشکوفایی آبراهام مزلو. ۳-۳-۲

### فصل سوم: حافظ به روایت دیگران

- ۲۹..... حافظ به روایت تاریخ. ۱-۳
- ۲۹..... عصر حافظ. ۱-۱-۳
- ۳۰..... شاه‌شیخ ابواسحاق اینجو. ۱-۱-۱-۳
- ۳۱..... امیر مبارزالدین محمد. ۲-۱-۱-۳
- ۳۲..... شاه شجاع. ۳-۱-۱-۳
- ۳۳..... شاه‌زین‌العابدین، شاه‌یحیی، شاه‌منصور. ۴-۱-۱-۳
- ۳۴..... حافظ شیرازی. ۲-۱-۳
- ۳۷..... حافظ به روایت پژوهشگران و شاعران. ۲-۳
- ۳۷..... شهید مطهری. ۱-۲-۳
- ۳۸..... محمد گل‌اندام. ۲-۲-۳
- ۳۸..... زریاب‌خویی. ۳-۲-۳
- ۳۸..... جلال‌الدین همایی. ۴-۲-۳
- ۳۸..... خلخالی. ۵-۲-۳
- ۳۹..... مسکوب. ۶-۲-۳
- ۳۹..... مصطفی رحیمی. ۷-۲-۳

- ۳۹.....۸-۲-۳. عبدالحسین هژیر
- ۳۹.....۹-۲-۳. داریوش آشوری
- ۴۰.....۱۰-۲-۳. عبدالحسین زرّین کوب
- ۴۰.....۱۱-۲-۳. محمّد معین
- ۴۱.....۱۲-۲-۳. منوچهر مرتضوی
- ۴۲.....۱۳-۲-۳. محمّدعلی اسلامی ندوشن
- ۴۳.....۱۴-۲-۳. ضیاء موحد
- ۴۳.....۱۵-۲-۳. محمود هومن
- ۴۴.....۱۶-۲-۳. حسن علی شیبانی
- ۴۴.....۱۷-۲-۳. محمودی بختیاری
- ۴۴.....۱۸-۲-۳. میرجلال‌الدین کزازی
- ۴۴.....۱۹-۲-۳. مهدی پرهام
- ۴۵.....۲۰-۲-۳. حسن انوری
- ۴۵.....۲۱-۲-۳. استعلامی
- ۴۵.....۲۲-۲-۳. بهاء‌الدین خرمشاهی
- ۴۶.....۲۳-۲-۳. احسان طبری
- ۴۷.....۲۴-۲-۳. شاملو
- ۴۷.....۲۵-۲-۳. محمّد‌امین ریاحی
- ۴۷.....۲۶-۲-۳. علی دشتی
- ۴۸.....۲۷-۲-۳. شفیع‌ی کدکنی
- ۴۸.....۲۸-۲-۳. رضا شاپوریان



- ۴۸..... ۲۹-۲-۳. بهروز ثروتیان
- ۴۹..... ۳۰-۲-۳. ذبیح‌الله صفا
- ۴۹..... ۳۱-۲-۳. پورنامداریان
- ۵۰..... ۳۲-۲-۳. سیروس شمیسا
- ۵۰..... ۳۳-۲-۳. نیچه
- ۵۰..... ۳۴-۲-۳. جامی
- ۵۱..... ۳۵-۲-۳. گوته
- ۵۱..... ۳۶-۲-۳. هوشنگ ابتهاج
- ۵۱..... ۳۷-۲-۳. نصرالله مردانی
- ۵۲..... ۳۸-۲-۳. شهریار
- ۵۳..... ۳۹-۲-۳. کمال خجندی
- ۵۳..... ۴۰-۲-۳. نیما
- ۵۴..... ۴۱-۲-۳. اقبال لاهوری
- ۵۴..... ۳-۳. نتیجه‌گیری

### فصل چهارم: حافظ به روایت حافظ

#### بخش اول: ۴-۱. توصیف شخصیت حافظ از زبان حافظ

- ۵۹..... ۴-۱-۱. احوال فردی، زندگی و ویژگی‌های روحی و اخلاقی حافظ
- ۵۹..... ۴-۱-۱-۱. نام و القاب
- ۵۹..... ۴-۱-۱-۲. فقر و عدم تمکن مالی
- ۶۲..... ۴-۱-۱-۳. علاقه به وارستگی
- ۶۲..... ۴-۱-۱-۴. دارای ظاهر و باطن یکسان و علاقمندی به افراد بی‌ریا

- ۶۲.....۵-۱-۱-۴. دوری از حرص
- ۶۳.....۶-۱-۱-۴. دوری از مردم آزاری
- ۶۳.....۷-۱-۱-۴. راست گویی
- ۶۳.....۸-۱-۱-۴. بلندپروازی
- ۶۳.....۹-۱-۱-۴. علاقمندی به اهل هنر
- ۶۳.....۱۰-۱-۱-۴. مدارا با دشمنان
- ۶۳.....۱۱-۱-۱-۴. نکته دانی و بذله گویی
- ۶۳.....۱۲-۱-۱-۴. سحر خیزی
- ۶۳.....۱۳-۱-۱-۴. اهل مطالعه
- ۶۴.....۱۴-۱-۱-۴. حافظ قرآن و مأنوس با آن
- ۶۴.....۱۵-۱-۱-۴. رازونیا ز شبانه و عبادت
- ۶۴.....۱۶-۱-۱-۴. پاک دامنی
- ۶۴.....۱۷-۱-۱-۴. نگران دین و ایمان
- ۶۴.....۱۸-۱-۱-۴. تواضع و بیزاری از غرور
- ۶۴.....۱۹-۱-۱-۴. نرنجیدن
- ۶۴.....۲۰-۱-۱-۴. دعا کردن در حق دیگران
- ۶۵.....۲۱-۱-۱-۴. علاقمندی به فراغت و آسوده دلی و پناه به طبیعت
- ۶۵.....۲۲-۱-۱-۴. رسیدن به مقصود و کامروایی
- ۶۵.....۲۳-۱-۱-۴. نارضایتی از خود و حسرت عمر تلف کرده
- ۶۵.....۲۴-۱-۱-۴. نگاه حافظ به گذشته و آینده
- ۶۶.....۲۵-۱-۱-۴. همت

- ۴-۱-۱-۲۶. احساس تنهایی، غربت و عدم درک مخاطب..... ۶۶
- ۴-۱-۱-۲۷. ظاهر آرام و غم درونی..... ۶۶
- ۴-۱-۱-۲۸. گلایه از دنیا، زمانه، بخت و روزگار..... ۶۷
- ۴-۱-۱-۲۹. علاقه به شیراز و دلزدگی از این شهر..... ۶۷
- ۴-۱-۱-۳۰. ازدست دادن یک عزیز یا فرزند..... ۶۷
- ۴-۱-۱-۳۱. گناه و امید به رحمت حق..... ۶۷
- ۴-۱-۱-۳۲. وابستگی به دربار و مدح..... ۶۸
- ۴-۱-۱-۳۳. پناه بردن به عشق به خاطر سختی های زندگی..... ۶۹
- ۴-۱-۲. شخصیت عارفانه ی حافظ..... ۶۹
- ۴-۱-۲-۱. اسیر جذبه ی عشق..... ۶۹
- ۴-۱-۲-۲. غفلت و بیداری..... ۶۹
- ۴-۱-۲-۳. ثبات و پایداری..... ۷۰
- ۴-۱-۲-۴. اعتقاد به ضرورت راهنما..... ۷۱
- ۴-۱-۲-۵. وصال و کامیابی..... ۷۲
- ۴-۱-۲-۶. بعد از وصال..... ۷۳
- ۴-۱-۳. شخصیت عاشقانه ی حافظ..... ۷۳
- ۴-۱-۳-۱. گریه کردن..... ۷۴
- ۴-۱-۳-۲. رنج کشیدن بسیار..... ۷۵
- ۴-۱-۳-۳. انتظار و امیدواری..... ۷۵
- ۴-۱-۳-۴. پایداری در عشق..... ۷۵
- ۴-۱-۳-۵. تسلیم در برابر معشوق..... ۷۵

- ۷۸.....۶-۳-۱-۴ کامیابی
- ۷۸.....۷-۳-۱-۴ ویژگی‌های روحی عاشق
- ۷۹.....۸-۳-۱-۴ آه کشیدن
- ۷۹.....۹-۳-۱-۴ خسارت عشق
- ۷۹.....۱۰-۳-۱-۴ ناامید از وصال و ناکامی در راه عشق
- ۸۰.....۱۱-۳-۱-۴ دل اسیر زلف معشوق است
- ۸۱.....۱۲-۳-۱-۴ خونین بودن دل
- ۸۱.....۱۳-۳-۱-۴ فاش شدن راز عشق
- ۸۱.....۱۴-۳-۱-۴ بارزش دانستن خاک درگاه معشوق
- ۸۱.....۱۵-۳-۱-۴ بی‌خوابی
- ۸۲.....۱۶-۳-۱-۴ عشق پیرانه‌سر
- ۸۲.....۱۷-۳-۱-۴ توصیه‌ی خود به صبر و تحمل
- ۸۲.....۱۸-۳-۱-۴ وضعیت جسمی
- ۸۳.....۱۹-۳-۱-۴ نالیدن
- ۸۳.....۲۰-۳-۱-۴ تقابل عشق و زهد
- ۸۴.....۲۱-۳-۱-۴ غیرت
- ۸۴.....۲۲-۳-۱-۴ نشنیدن نصیحت
- ۸۴.....۲۳-۳-۱-۴ نظر بازی
- ۸۴.....۲۴-۳-۱-۴ دزدگی از عشق
- ۸۵.....۴-۱-۴ شخصیت اجتماعی حافظ
- ۸۷.....۱-۴-۱-۴ شراب‌نوشی

- ۹۱.....۲-۴-۱-۴. اتهام به خود
- ۹۲.....۳-۴-۱-۴. رندی
- ۹۳.....۴-۴-۱-۴. بیزاری از توبه
- ۹۳.....۵-۴-۱-۴. رفت و آمد میان مسجد و میخانه
- ۹۴.....۶-۴-۱-۴. پیرمغان، پیرحافظ است
- ۹۴.....۷-۴-۱-۴. ننگ و نام
- ۹۵.....۵-۱-۴. شخصیت هنری حافظ
- ۱-۵-۱-۴. شعر حافظ چه ویژگی هایی دارد که آنرا در ردیف شاهکار قرار می دهد؟.....۹۵
- ۲-۵-۱-۴. حافظ موفقیت شعر خود را نتیجه ی چه عواملی می داند؟.....۱۰۰
- ۳-۵-۱-۴. مبنای شعر بر راستی است یا دروغ؟.....۱۰۱
- ۴-۵-۱-۴. شعر حافظ از خود آگاه او نشأت می گیرد یا ناخود آگاه؟.....۱۰۲
- ۵-۵-۱-۴. شعر وسیله است یا هدف؟ مفید است یا لذت بخش؟.....۱۰۳

## فصل چهارم: حافظ به روایت حافظ

### بخش دوم: ۲-۴. تحلیل شخصیت حافظ

- ۱-۲-۴. تحلیل شخصیت حافظ براساس دیدگاه فروید.....۱۰۹
- ۱-۱-۲-۴. تحلیل شخصیت سه گانه ی حافظ براساس نهاد، من، فرامن.....۱۱۰
- ۲-۱-۲-۴. غریزه ی مرگ و غریزه ی زندگی در شعر حافظ.....۱۱۶
- ۲-۲-۴. تحلیل شخصیت حافظ براساس دیدگاه یونگ.....۱۲۳
- ۱-۲-۲-۴. تجلی کهن الگوی نقاب و سایه در شعر حافظ.....۱۲۳
- ۲-۲-۲-۴. نمود آنیما در شعر حافظ.....۱۲۸

- ۳-۲-۲-۴. تجلی پیرمثالی در شعر حافظ..... ۱۳۵
- ۴-۲-۲-۴. تجسم ماندالا در شعر حافظ..... ۱۳۷
- ۳-۲-۴. تحلیل شخصیت حافظ مطابق با الگوی خودشکوفایی مزلو..... ۱۳۸
- ۱-۳-۲-۴. درک بهتر واقعیت و برقراری رابطه‌ی سهل‌تر با آن..... ۱۳۸
- ۲-۳-۲-۴. پذیرش (خود، طبیعت و دیگران)..... ۱۴۱
- ۳-۳-۲-۴. خودانگیختگی، سادگی و طبیعی بودن..... ۱۴۲
- ۴-۳-۲-۴. مسأله‌مداری..... ۱۴۳
- ۵-۳-۲-۴. کیفیت کناره‌گیری، نیاز به خلوت و تنهایی..... ۱۴۵
- ۶-۳-۲-۴. خودمختاری، استقلال فرهنگ و محیط، اراده و عوامل فعال..... ۱۴۶
- ۷-۳-۲-۴. استمرار تقدیر و تحسین..... ۱۴۷
- ۸-۳-۲-۴. تجربه‌ی عرفانی، تجربه‌ی اوج..... ۱۴۸
- ۹-۳-۲-۴. حس هم‌دردی..... ۱۴۸
- ۱۰-۳-۲-۴. روابط بین فردی..... ۱۴۹
- ۱۱-۳-۲-۴. ساختار منشی مردم‌گرا..... ۱۴۹
- ۱۲-۳-۲-۴. تشخیص بین وسیله و هدف..... ۱۵۰
- ۱۳-۳-۲-۴. شوخ‌طبعی فلسفی و غیر خصمانه..... ۱۵۱
- ۱۴-۳-۲-۴. خلاقیت..... ۱۵۲
- ۱۵-۳-۲-۴. مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری..... ۱۵۳
- ۴-۲-۴. تأثیر نژاد، محیط و زمان بر حافظ..... ۱۵۷
- ۱-۴-۲-۴. نژاد..... ۱۵۷
- ۱-۱-۴-۲-۴. هویت ملی ایرانیان با تکیه بر مؤلفه‌های فرهنگی..... ۱۵۷

۱۶۰.....۲-۴-۱-۲. خدانشناسی حافظ.

۱۶۸.....۳-۴-۱-۲. دین‌مداری حافظ.

۱۶۹.....۴-۴-۱-۲. تقدیرگرایی در اشعار حافظ.

۱۷۴.....۵-۴-۱-۲. شادی و نشاط.

۱۹۰.....۲-۴-۲-۲. تأثیر محیط بر حافظ.

۱۹۴.....۳-۴-۲-۲. روح زمان در شعر حافظ.

### فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۱۹۸..... نتیجه‌گیری

۲۰۳..... فهرست منابع و مآخذ

۲۱۹..... چکیده انگلیسی

## «چکیده»

به دلایل متعددی از جمله پایگاه رفیع حافظ در شعر فارسی، ارادت فارسی‌زبانان نسبت به او، ابعاد پیچیده و پررمز اشعارش و امکان خوانش‌های گوناگون از آن، دیدگاه‌های مختلف و اغلب متضاد، در باره‌ی شخصیت حافظ ارائه شده است. اما حافظ در باره‌ی خود چه نظری دارد؟ این پایان‌نامه تلاش کرده است به این پرسش پاسخ دهد.

در ابتدای این پژوهش، دیدگاه‌های مختلف در باره‌ی حافظ به صورت خلاصه نقل شده است؛ اما ویژگی‌های شخصیت حافظ به روایت خود حافظ، بحث اصلی این پایان‌نامه را تشکیل می‌دهد که در آن تمام گفته‌های حافظ در باره‌ی خود، ابتدا توصیف شده و سپس مورد تحلیل قرار گرفته است.

توصیف شخصیت حافظ از نگاه خود حافظ به پنج قسمت تقسیم‌بندی شده است که عبارتند از: احوال فردی و ویژگی‌های روحی و اخلاقی حافظ؛ شخصیت عارفانه‌ی حافظ؛ شخصیت عاشقانه‌ی حافظ؛ شخصیت اجتماعی حافظ و شخصیت هنری حافظ. چون شخصیت حافظ ابعاد متعددی دارد، ما برای ارائه‌ی تحلیلی کامل و همه‌جانبه، از نظریه‌های مختلف در حوزه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ادبیات کمک گرفته‌ایم. این نظریه‌ها عبارتند از: نظریه‌های «نهاد، من و فرامن» و «غریزه‌ی مرگ و غریزه‌ی زندگی» از زیگموند فروید، نظریه‌ی کهن‌الگوها و فرآیند تفرّد از یونگ، نظریه‌ی «الگوهای خودشکوفایی» از آبراهام مزلو و نظریه‌ی «تأثیر نژاد، محیط و زمان» بر اثر ادبی و مؤلف از ایپولیت تن. به کمک این نظریه‌ها، تلاش کرده‌ایم تا از معنای ظاهری سخن حافظ فراتر رفته و به درک عمیق‌تری از شخصیت او دست یابیم. حاصل ادراک و تحلیل ما از شخصیت حافظ در فصل چهارم و جمع‌بندی و خلاصه‌ی آن در قسمت نتیجه‌گیری ارائه شده است که براساس آن، حافظ شخصیتی متعادل و خودشکوفای دارد و تحت تأثیر کهن‌الگوها قرار گرفته و به تفرّد دست یافته است. براساس دیدگاه ایپولیت تن به خاطر تأثیر عامل «نژاد»، بعضی از مولفه‌های هویت فرهنگی ایرانیان مانند خدا باوری، دین‌مداری، تقدیرگرایی و شادی در دیوان حافظ به خوبی جلوه‌گر شده‌اند اما ویژگی‌هایی مانند نام‌جویی و خردگرایی به دلیل دو عامل «محیط و زمان» به ضد ارزش دگرگون شدند.

## کلمات کلیدی:

حافظ، فروید، یونگ، مزلو، شخصیت، عاشقانه، اجتماعی و عرفانی.





**فصل اوّل**

**مقدمه**

## ۱-۱. تعریف مسأله

دو پرسش مهمی که در حافظ پژوهی مطرح‌اند، عبارتند از: ۱- حافظ کیست؟ ۲- حافظ چه می‌گوید؟ آثاری که در حوزه‌ی حافظ پژوهی نگاشته شده‌اند، به روش‌ها و تحلیل‌های متفاوتی به سؤال‌های مذکور پاسخ داده‌اند و در این پایان‌نامه نیز «کیستی حافظ» مورد نظر است.

دیوان حافظ هم به دلیل ماهیت قالب غزل و هم به سبب آفاق گسترده‌ی فکری و عاطفی خود شاعر، سرشار از موضوعات و مضامین متنوع در حوزه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... می‌باشد که می‌توانند اسباب شناخت حافظ به‌شمار آیند و یکی از معتبرترین روش‌های شناخت خالق هر اثری، شناخت از طریق خود اثر می‌باشد که در آن محقق به‌جای تکیه بر منابع و مراجع بیرون از متن، بر داده‌ها و اطلاعات درون‌متن تکیه می‌نماید؛ با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده، مشخص شده که غالب آثاری که در حوزه‌ی حافظ پژوهی در باره‌ی او نوشته شده‌اند، به زندگی‌نامه، مذهب، معاصران، حوادث و رویدادهای عصر حافظ، اندیشه‌های فلسفی و کلامی، سلوک عرفانی حافظ و... پرداخته‌اند. اگرچه این تحقیقات در جای خود بسیار ارزنده و راهگشا می‌باشند، اما برای پاسخ به «کیستی حافظ» کافی نیستند و حتی در پاره‌ای از موارد «به‌علت نقاب‌های گوناگونی که از زمان مرگ حافظ تاکنون به چهره‌ی زیبایش زده‌اند، حقیقت تابناک شخصیت او در پس ابر سیاهی از تعارفات بی‌جا ناپدید شده است» (هومن،

۱۳۷۵: ۷۰) و شخصیت حافظ را آن گونه که دوست داشته‌اند، جست‌وجو کرده‌اند و نه آن گونه که هست.

انگیزه‌ی اصلی در این پایان‌نامه، شناخت حافظ با تکیه بر اطلاعاتی است که خود حافظ در غزلیاتش داده و خود را بدان گونه معرفی کرده است. اگرچه «غزل حافظ در هاله‌ای از ابهام، ابهام و چندسویگی لفظی و مضمون جریان می‌یابد و حالتی منشوری و درونی دارد که تفسیرپذیر و تأویل‌آمیز است» (رستگارفسایی، ۱۳۸۵: ۲۱۱) و این موضوع شناخت واقعی شاعر را دشوار می‌نماید؛ اما بدون هیچ گونه ادعایی، روش تحقیق ما به گونه‌ای خواهد بود که با انصراف از کلی‌نگری و کلی‌اندیشی و تمرکز بر اشعار و ابیاتی که از دیدگاه ارجاعی، نزدیک‌ترین همبستگی را با حافظ‌شیرازی دارند، به شناخت واقعی‌تری از حافظ‌شیرازی دست یابیم.

حافظ به گونه‌های مختلفی از خود سخن می‌گوید:

الف) با استفاده از فعل اول‌شخص و ضمائر «من»، «ما»، «خود»، «خویشتن» و... از من خود سخن می‌گوید که گاهی مراد او «من نوعی» است؛ گاهی هم مراد از من، «من» اجتماعی است، «در این مرحله، حافظ آن چه می‌گوید، آه‌وناله‌ی فردی و شخصی خود نیست. بازگویی دردهای فراگیر اجتماعی است. واگویه‌های برانگیزاننده‌ای است که زخم‌های مشترک مردم را فریاد می‌کند و خصلت همه‌مکانی و همه‌زمانی می‌یابد» (حسن‌لی، ۱۳۸۵: ۱۹۹).

ب) در مقطع غزل با آوردن تخلص «حافظ» از خود سخن می‌گوید، «تخلص در بسیاری از غزل‌ها، وجودی به‌نسبت مستقل است یا بار معنایی آزادتر در مقایسه با درون‌مایه‌ی اصلی غزل دارد که بیش از همه دارای خصلت مفاخره‌آمیز است؛ تخلص در سطحی متفاوت از موضوعات غزل قرار دارد، بدین معنا که ما در متن غزل با شاعری روبه‌رو هستیم که امور را از خاستگاه ذهنی یا تجربه‌ی خود، تصویر و استدلال می‌کند و برای طرح آن از ضمائر «من» و